



ت و بلندمدت، پیشبینی های مطرح درینباره را مورد بررسی و کنکاش قراردهیم. بحران سیستم امنیتی مدرن، ازمنظر نظامی - سیاسی، بویژه درامتداد پانزده سال آینده بمثابه نقطه عطف ستراتیژیک تلقی میگردد. وضعیتی که پس ازرو یارویی و پایان جهان دوقطبی درواخردهه ۱۹۸۰ پدیدآمد. افزایش تدریجی مقیاس تهدیدهایی که درامتداد دهه پستین درمقابل چشمان ما پدیدار شده اند، ممکنست، طی سال های پیشرو، ابعاد جدیدی بخود اختیارنموده و قدرت های بزرگ را ناگزیرباتخاذ تصمیمات ستراتیژیک درمورد کاربرد قوه درسیاست ملی و روابط بین المللی نماید. ختم رویارویی و پایان جهان دوقطبی، فرصت های جدیدی بمنظور همکاری های سازنده بین کشورها، بویژه درسطوح منطقوی و جهانی، درسازمان ملل و سایر سازمان های بین المللی ایجاد کرده است. تهدید یک درگیری جهانی از نوع قبلی بحد اقل رسیده است. سیستم بین المللی سطح نسبتن بالایی، هرچند رو بکاهش بوده، اما اصل نظارت واعتماد متقابل در حوزه نظامی را تضمین می کند. با اینحال، کشورهای پیشرو نه تنها زرادخانه هایی را حفظ نموده و با وضوح از سطوح دفاعی لازم فراتررفته اند، بلکه حتاً دایمن آنها را ارتقا می دهند. از جمله بکارگیری سلاح های تهاجمی، استفاده ازروش های دیپلوماتیک و پابندی دقیق باصول و هنجارهای عمومی شناخته شده حقوق بین الملل، هنوز به روند غالب درحل و فصل مشکلات تبدیل نشده است.

امرفوق دردرجه نخست مربوط به مناطقی مانند خاورمیانه بزرگ، ماورای قفقاز، آسیای میانه و آسیای جنوب شرقی می گردد. احتمال تشدید درگیری های درون کشوری بیشترمی گردد که بخودی خود، سبب افزایش بی ثباتی و هرج و مرج درسراسرجهان خواهد شد. دردنیای مدرن، بوضوح کاملی، روند هایی بجانب چند مرکزگرایی عرض وجود نموده اند. اما این یک مدلی که درحال شکل گیری می باشد، بمثابه مدل کلاسیک نبوده، بلکه بمثابه یک سیستم بین المللی، بین الدولتی، چند سطحی و بسیارپویاً پنداشته شده که درآن مشکلات جهانی بخط مقدم آمده و نیازمند نهادهای جدید چند جانبه میباشند. با اینحال، تا زمانی که نهادهای یادشده ایجاد نگردند، بی ثباتی اوضاع و ناهنجاری وضعیت درسراسر جهان روبفزونی خواهد نمود و امکانات درگیری های مسلحانه، بگونه گلی در حال افزایش خواهد بود. جامعه ناگزیر شده تا برعامل زوردرمناسبات بین المللی، بگونه اغراق آمیزی تأکید بعمل آورد. بنظر میرسد، دولت جدید ایالات متحده، درس های مسیرشوم را آموخته باشد، اما اینکه قادرخواهد بود تا بربنیاد اعلامیه هایش، بسمت یک رویکرد چندجانبه درروابط بین الملل حرکت کند، مشخص نبوده و هنوز جای سؤال دارد. اما این واقعیت ازمدت ها قبل مشخص گردیده که تمامی سازوکارهای حفظ امنیت بین المللی که بویژه پس ازجنگ جهانی دوم و درامتداد زمانی جنگ سردایجاد شده اند، مانند سازمان ملل، ناتو، سازمان امنیت و همکاری اروپا و سایر دسته بندی هایی از این قبیل، بمفهوم وسیع کلمه بمنظوررفع تهدیدها ومعضلات موجود، اصلن ناکافی پنداشته می شوند. هرگونه سعی و تلاش بمنظوراصلاح ساختارهای یادشده تاکنون ناموفق بوده و همچنان، هیچگونه اراده سیاسی در امر ایجاد و پایه گذاری ساختارهای جدید بمنظور حفظ امنیت بین المللی، اصلن موجود نمی باشد.

بهره برداری از برتری متعارف بمنظور دستیابی باهدف سیاسی ونظامی، بگونه فزاینده ای دشواری می گردد. درعین حال، سیاست های خود ایالات متحده و روی دادهای پستین نشان داده اند کامکانات جدی را بمنظور ایجاد درگیری درپی خواهد داشت. با وجود آنکه اداره و اشنگتن تلاش می ورزد تا درگیری های مسلحانه سده ۲۱ را بگونه گزینشی وبا استفاده و بکارگیری ازسلاح های متعارف با دقت بالا و فناوری اطلاعات، انجام دهد، اما واضح ومبرهن است که هنوز مؤفقیت و دستاوردی درزمینه یادشده نداشت، چه، شکست کامل ایالات متحده درکشور عزیزما وعدم مؤفقیت آنچنانی درکشور عراق، گواه ادعای فوق می باشد. منطقه آسیا واقیانوسیه، بویژه چین، نقش فزاینده ای درجهان ایفا می نمایند. این امر، بخودی خود، به تضادهای موجود ونوظهور درجهان دامن زده و رقابت ها را تشدید می نماید. مشکلات ملی و اجتماعی - اقتصادی درمناطق مختلف جهان حادث شده و در نتیجه درگیری های منطقوی، مسابقات تسلیحاتی درسطح منطقه یی، گسترش سلاح های کشتار دستجمعی، تروریزم، قاچاق مواد مخدر، خطر تضعیف ثبات بین المللی وسایر چالش هارا دامن می زند.

ظهور افراط گرایی ملی ومذهبی، بویژه دربرخی از مناطق جهان اسلام، معضلات و خطرات غیرقابل پیشبینی را در قبال ثبات منطقوی و بین المللی بوجود می آورد. جهانی شدن اقتصاد واطلاعاتی شدن روابط بین المللی فرصت های بیسابقه ای را بمنظور رشد و توسعه ایجاد می نماید، اما درعین حال، سیستم جهانی را بگونه فزاینده ای دربرابرترو ریزم، استفاده ازسلاح های کشتار جمعی و وسایل اطلاعاتی و خبری آسیب پذیر می سازد. رقابت بمنظور دستیابی بمنایع انرژی درحال گسترش بوده و اهمیت آنرا درمیان عوامل مؤثر بروضعیت نظامی- سیاسی افزایش می بخشد. مبارزه بمنظور دسترسی به منابع، مسابقه تسلیحاتی را براه انداخته وهرأس از حفظ ونظارت برمنابع خودی کشورها

را با افزایش تلاش های دفاع خودی سوق می دهد. کشورهای مصرف کننده، در حال بررسی ایده چگونگی استفاده از ابزارهای نظامی - سیاسی بمنظور تضمین دسترسی اجباری بآنها میباشند. همین اکنون، مسابقه تسلیحاتی کنترل نشده ای مجدداً در جهان آغاز گردیده و در شرایط و وضعیت کنونی بسطی رسیده که بمقیاس دوران جنگ سرد، چندین برابر گردیده، میتوان گفت که وضعیت یادشده در بحبوحه تضعیف رژیم های نظارت و کنترل تسلیحات جهانی شکل گرفته است. جهان بسرعت در حال نظامی شدن می باشد. در مناطق و محلات جنگی، نبود نظارت های بین المللی بر تجارت سلاح های متعارف منجر به گسترش سریع آنها، بویژه در میان سازمان های جنایتکار می گردد. تهدید سلاح های تهاجمی، کلاهک های هستوی کم قدرت و موشک های ستراتیژیک با کلاهک های غیر هستوی و همچنان گل هزینه های نظامی، بگونه مداومی، بویژه بمقایسه دوران جنگ سرد، در حال افزایش می باشد. خاورمیا نه و برخی از کشورهای مستقل مشترک المنافع، چون گرجستان، آذربایجان و بلاروس، بیشترین هزینه ها را بخود اختصاص داده اند. از جمله دلایل اصلی مسابقه تسلیحاتی جدید، بیثباتی فزاینده روابط بین الدول و همچنین سکوت اداره واشنگتن مبنی بر "تحمیل صلح" و "تحمیل دموکراسی" پنداشته می شود. درگیری های مسلحانه و اشنگتن در بسیاری از کشورهای جهان از جمله در کشور عزیز ما افغانستان، بوضوح کامل ماهیت غیرواقعبینانه امید به تضمین امنیتی بین المللی را افشا نموده و سایر کشورها را ناگزیر به تقویت نیروهای مسلح خودی، بویژه در امر دفاع و حراست از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی شان نمود. نه تنها کشورهای آشکار ضد امریکایی، واردات تسلیحاتی خود را افزایش می بخشند، بلکه آنده از کشورهای که بمنظور احتیاط و پیشگیری از حوادث احتمالی، مسلح می گردند، نیز در حال افزایش واردات تسلیحات می باشند، که از جمله می توان مالیزیا، ویتنام و امارات متحده عربی را نام برد. یکی دیگر از جمله فاکتورهای مهم در مسابقه تسلیحاتی، محدود شدن "چتر هسته ای" می باشد که با موجودیت آن، هم اقماریاتحادشوروی و هم اقماریالات متحده، احساس امنیت می نمودند که در نتیجه، تضعیف نقش باز دارنده پتانسیل هستوی ایالات متحده را سبب گردید. در برخی موارد، واقعیت های یادشده، بسیاری از کشورها را ناگزیر می نماید تا در امور دفاعی خویش بسمت خودکفایی تمایل بیشتری داشته باشند. اما با وجود اینهمه، ایالات متحده چه از نقطه نظر کیفی و چه از رهگذر کمی، در رأس مسابقه تسلیحاتی جهانی قرار دارد. در وضعیت اینچنینی، اصل "مسابقه به منظور نایل گردیدن به صدر"، اصلن منتفی می باشد، چه، بودجه کنونی نظامی ایالات متحده، تقریباً نیمی از کل هزینه های دفاعی جهان را تشکیل می دهد.

با وجود بهبود قابل ملاحظه اضاع بین المللی، بحداقل رساندن احتمال جنگ ها و درگیری های مسلحانه بزرگ بین قدرت های بزرگ، هنوز بگونه اساسی کاهش نقش و تأثیرگذاری سلاح های هستوی در مجموع سیاست جهانی اصلن بمشاهده نرسیده و بویژه در شرایط و وضعیت حاضر نیز مشهود نمیباشد. روند یادشده، ممکنست حداقل برای ۱۵-۲۰ سال تغییر ننماید. اما اگر تکثیر سلاح های هسته ای همچنان افزایش یابد، این واقعیت کاملن محتمل بنظر می رسد که نقش و تأثیرگذاری آنها در "عصر هسته ای جدید" افزایش یابد. اما برعکس، انجام بی سابقه حملات تروریستی و تغییر اولویت های مطرح، مقیاس استفاده و بکارگیری سلاح هسته ای بخودی خود، احتمال شکل گیری تنشهای غیر قابل کنترل را افزایش خواهد بخشید. امر فوق، همچنین با گسترش بیشتر سلاح های کشتار دستجمعی و سیستم های پرتاب آنها تسهیل خواهد گردید. اما تروریزم فراملی، آنهم در مقیاس بزرگتر، همچنان بمثابه تهدید جدی پنداشته می شود.

سازمان های اطلاعاتی، از جمله اطلاعات نظامی، بارها از موجودیت گروه های تروریستی زیرزمینی خبر داده اند. تهدیدها در کوتاه مدت، سبب بی ثباتی جهانی شده که بگونه عمده، ناشی از تشدید چالش های سنتی و پیدایش تهدیدها ومعضلات جدید از یکجانب و افول بنیادهای موجود بین المللی که بمنظور حفظ امنیت منطقوی و جهانی مانند سازمان ملل، ناتو، سازمان امنیت و همکاری اروپا و غیره، از جانب دیگر می باشد. با احتمال اغلب، عمدتن بدلیل گسترش ناتوبسمت شرق که از قبل هم ادامه داشته، پیمان نیروهای مسلح متعارف در اروپا، کاملن نابود خواهد شد. هیچگونه امید واری بعقد توافقات جدید و قابل توجهی در زمینه یادشده با ایالات متحده و ناتو اصلن وجود ندارد. پیمان جدید کاهش تسلیحات ستراتیژیک بین روسیه و ایالات متحده، ممکنست برای مدتی، گسترش سلاح های هسته ای را کند نماید، اما احتمالن مشکل را از نقطه نظر ستراتیژیک حل نخواهد نمود.

خنده آوراست اگر انتظار داشته باشیم که روسیه و ایالات متحده بگونه جدی برای جهان عاری از سلاح های هسته ای تلاش نمایند. همچنان تردیدهایی در مورد تداوم مذاکرات پس از انعقاد پیمان جدید "ستارت" ابراز گردید. کاهش بیشتر سلاح های هسته ای، در بهترین حالت، بویژه با برداشتن گام های مؤثر و موازی باهم و برخی مواقع هم،

احتمالاً بدون توافق متقابل انجام خواهد شد. یعنی اساساً بر بنیاد امکان سنجی فنی و اقتصادی که هر طرف بگونه مستقل و بدون هیچگونه مشورتی با طرف دیگر تعیین خواهد نمود. اینکه آیا موضوع فوق برای امنیت بین المللی، ثبات ستراتیژیک و روابط دوجانبه خوب است یا بد، هنوز مشخص نمی باشد. بر بنیاد اطلاعات موجود، واشنگتن قصد ندارد، دستش را با هیچگونه توافق جدی و از نظر قانونی الزام آورده و با محدودیت تسلیحات ببندد. قابل یاددهانی پنداشته میشود که در امتداد نه سال پسین، بتعداد ۶۵ کشور شرکت کننده در کنفرانس خلع سلاح سازمان ملل، حتا مؤفق باتخاذ یک تصمیم مهم هم نگردیده اند. واشنگتن و لندن تنها طرف هایی اند که با آغاز مذاکرات و گفتگوهای جهانی بمنظور جلوگیری از نظامی سازی فضا مخالفتند. علاوه بر مسیر یادشده، مؤلفه سیاسی تلاش بمنظور تداوم خط سلطه نظامی - سیاسی جهانی ایالات متحده، مؤلفه سیاسی تلاش بمنظور تداوم خط سلطه نظامی - سیاسی جهانی ایالات متحده بویژه در سده ۲۱ دارای ابعاد فناوری و اقتصادی نیز می باشد.

واقعیتهای یادشده، عمدتاً با منافع شرکتهای صنعتی - نظامی امریکایی و همچنین با قصد رهبری واشنگتن بمنظور افزایش سطح علمی و فنی صنعت از طریق تزریق گسترده مالی به برنامه های بزرگ نظامی - فناوری مرتبط پنداشته می شود. بر بنیاد اظهارات عده ای از کارشناسان، تغییرات یادشده در مجموع سیاست نظامی واشنگتن حداقل برای ۱۵ تا ۲۵ سال آینده، تا زمانی که امریکایی ها سیستم دفاع موشکی ستراتیژیک را مستقر ننمایند، تهدید فوری برای امنیت جهانی محسوب نمی گردد.

در عین حال، قبل از درگیری های مسلحانه واشنگتن در کشور ایران، احتمال اقدام نظامی بشکل حملاتی با دقت بالا بر تاسیسات هسته ای و سایر مراکز نظامی و زیرساختی ایران را نیز منتفی نمی پنداشتند که اکنون آنهاهم پیشبینی ها در کشور یادشده، از قوه بفعل مبدل گردیده و تاکنون همچنان ادامه دارد. چه، واشنگتن بمنظور جبران شکست هایش در دیگر مناطق جهان، بزور متوسل خواهد گردید. در هر صورت، درگیری های مسلحانه شامل دویا چند کشور در خاور میانه را نمی توان منتفی پنداشت.

رادیو کالیفرنیا شدن بیشتر جامعه اسلامی، بنوبه خود، اصل موجودیت و عملکردهای تروریسم جهانی را تشدید خواهد نمود. اما افزایش گسترده تر احساسات ضد امریکایی و ضد غربی، همراه با احساس فزاینده شکست ایالات متحده بمثابه "پولیس جهانی" اجتناب ناپذیر می باشد. همه ی ما شاهدیم که ایالات متحده در امتداد چندین سال متوالی در عراق و عوارض پس از عراق فرورفته و در نتیجه وضعیت اینچینی، خلای امنیتی جهان عمیق تر گردیده و ممکن است که وقایع بعدی بر بنیاد بدترین سناریوهای ممکن تکوین پذیرند.

در نهایت امر و بمثابه نتیجه گیری بایست متذکر گردید که وضعیت اینچینی، سطح مدیریت پذیری بحران ها و فرآیند های بین المللی نیز بشدت در حال کاهش می باشد. تلاش های ایالات متحده، بمنظور تثبیت رهبری انحصاری جهان، بویژه با استفاده از روش ها و کاربرد های نظامی - سیاسی و تکیه بر اقدامات یکجانبه، در شرایط بحرانی، بویژه درین مرحله با شکست مواجه گردیده است. وضعیت موجود در جهان و بویژه در عرصه مناسبات بین الدول، این واقعیت انکار ناپذیر را بیش از هر زمان دیگر واضح و مبرهن می نماید که جهانی شدن اقتصاد، توانایی استفاده مستقیم از برتری اقتصادی را کاهش می بخشد. وضعیت قدرت هستوی به تنهایی و جدأ از سایر عوامل دیگر، مزایای سیاسی قابل توجهی بدنبال ندارد.

یکشنبه ۱۶ ماه حمل سال ۱۴۰۵ خورشیدی، برابر با ۵ ماه اپریل سال ۲۰۲۶ ترسای